

خشونت و نظم‌های اجتماعی

چهارچوب هابرماس برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر

داگلاس نوٹ جان - زف والیس، باری آر. وینکاست

جعفر خیرخواهان، رضا مجیدزاده

سرشناسه
عنوان پدید آورنده

مشخصات نشر
مشخصات ظاهري

شاپک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت

: نورث، داکلاس سسیل، ۱۹۲۰م.
 : خشونت و نظام‌های اجتماعی / مؤلف [داکلاس نورث، جان جوزف والیس، باری آر. وینگستانت]؛ [مترجمان] جعفر خیرخواهان، رضا مجیدزاده.
 : تهران: روزنه، ۱۳۹۵.
 : ۴۵۶ ص.
 : ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۶۱۰-۲.
 : فیفا
 : عنوان اصلی: Violence and social orders: a conceptual framework for interpreting recorded human history

خشونت -- جنبه‌های اقتصادی -- تاریخ
Violence -- Economic aspects -- History :

دولت -- تاریخ

State, The -- History :

:- کنٹرل اجتماعی -- تاریخ

Social control -- History :

: واليس، جان جوزف، ١٩٥٢ - م.

Wallis, John Joseph :

وینگاست، باری آر، ۱۹۵۳ - م.

Weingast, Barry R :

خبر خواهان، جعفر، ۱۳۴۷، مترجم

محمدزاده، رضا، ۱۳۵۷، مترجم

HM 116/3920 1290

2-8/2-1

PFQATTV:



خشونت و نظم های اجتماعی

چهار چوب مفهومی برای تفکیک تاریخ ثبت شده بشر

داگلاس نورث، جان جوزف والاس باری، آر. وینگاسٹ

گردآوری و ترجمہ: جعفر خیرخواہان، رہنما مجیدزادہ

طرح جلد: هادی عادلخان

صفحہ آرا: اکرم مداح

ویراستار: امین زمردی کیسمی

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: شاد رنگ

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، بلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳-۸۸۸۵۳۶۳۱ نمایر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

ISBN: 978-964-334-610-2

شایک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۶۱۰-۲

سخنانی در ستایش کتاب

داگلاس نورت، یکی از نظریه پردازان برجسته اقتصاد نهادگرای جدید و برنده جایزه نوبل است. نظریه او از این جهت برای توضیح اقتصاد سیاسی - تاریخی و فعلی ایران بر نظریه های دیگر نهادگرایان جدید، جری دارد که می تواند مهم ترین نکات کلیدی توسعه نیافتگی ایران را مورد توجه قرار دهد؛ به سبب تقسیم کار، تخصص گرایی و مبادلات سودآور، ناامنی حقوق مالکیت، ناامنی نظام سیاسی - تاریخی ایران، حضور نظامیان در اقتصاد، تغییر مداوم نظامی - سیاسی و تبعات اقتصادی آن، کمبود منابع، تنش میان منابع و جمعیت و پیامدهای خشونت بار آن، عدم توانایی کنترل خشونت و ارائه نظم و قانون، و تبعات آن و ده ها نکته کلیدی و مهم از این دست که بدون در نظر گرفتن آنها، امکان توضیح قانع کننده ای از مشکلات فعلی ایران نیز ناممکن می نماید.

علی رضاقلی (والا)

پژوهان تاریخ اجتماعی ایران

این کتاب با ارزش را برنده جایزه نوبل اقتصاد داگلاس نورت، که از برجسته ترین تحلیلگران تاریخ اقتصادی است، به همراه دو تن از شاگردان پیشین و همکاران کنونی خود نوشته است. تکیه اصلی کتاب بر تحلیل شکل گیری نهادها و دولت در پیوند با انواع نظم اجتماعی و مهار خشونت است. دیدگاه های مؤلفان کتاب طبیعتاً بحث برانگیز است. در عین حال، بهره گیری از آنها جهت تحلیل وضعیت حکومت ها، نهادها و خشونت در خاورمیانه به ویژه با توجه به وضعیت منطقه طی دوره اخیر احتمالاً ثمربخش خواهد بود. ترجمه فارسی کتاب به دقت انجام گرفته و از سوی انتشارات روزنه روانه بازار کتاب شده است. خواندن کتاب قویاً به

علاقه‌مندان توسعه اقتصادی و سیاسی و به‌ویژه پژوهشگران اقتصاد سیاسی خاورمیانه و ایران توصیه می‌شود.

پویا علاءالدینی

دانشیار دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

ایست مهم‌ترین دغدغه انسان در طول تاریخ بوده و هست. خشونت، ناامنی و بی‌ثباتی جان و مال انسان‌ها را تهدید می‌کند و مانع اصلی انباشت سرمایه و رشد تولید است. کتاب «خشونت و نظام اجتماعی» درباره نقش تهدید به خشونت در شکل‌گیری نظم اجتماعی، فرایند حرکت به سوی نظم دسترسی باز، و شرایط فراهم آمدن زمینه‌های کنترل خشونت در جامعه، استدلال نظری مستحکم‌تری را ارائه می‌دهد. این کتاب برای پژوهشگران دوره‌های مختلف علوم انسانی - اجتماعی، این مناسبت را برای تحلیل علل تاریخی توسعه‌نیافتگی و راهکارهای محتمل غلبه بر آن به دست می‌دهد.

زهره کریمی موغاری

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران

فهرست

۱۱	مقدمه مترجم
۳۱	پیشگفتار
۳۵	سپاسگزاری
۳۹	۱. چهارچوب مفهومی
۳۹	۱-۱. مقدمه
۵۵	۱-۲. مفهوم نظم اجتماعی: خشونت، نهادها و سازما
۶۰	۱-۳. منطق حکومت طبیعی
۶۵	۱-۴. منطق نظم دسترسی باز
۷۰	۱-۵. منطق گذار از حکومت طبیعی به نظم دسترسی باز
۷۳	۱-۶. یادداشتی دربارهٔ باورها
۷۶	۱-۷. طرح بحث کتاب
۷۷	۲. حکومت طبیعی
۷۷	۲-۱. مقدمه
۷۹	۲-۲. وجوه مشترک: ویژگی‌های نظم دسترسی محدود
۸۰	۲-۲-۱. اشخاص، شخصیت روابط غیرشخصی، هویت، مریدپروری و منافع
۸۹	۲-۲-۲. اندازه‌ها، مرزها، دادوستد و تخصص‌گرایی
۹۲	۲-۳. تفاوت‌ها: نوع‌شناسی حکومت‌های طبیعی

۱۰۲. ۲-۴. امتیازات، حقوق و پویش‌های فرادستان
۱۰۵. ۲-۵. خاستگاه‌ها: مقیاس مسئله و خشونت
۱۱۰. ۲-۶. بویایی حکومت طبیعی: از حکومت‌های طبیعی شکننده تا پایه
۱۲۱. ۲-۷. حرکت به سمت حکومت طبیعی بالغ: بی‌نظمی، سازمان و کلیسای سده‌های میانه
۱۳۰. ۲-۸. حکومت طبیعی بالغ: فرانسه و انگلستان سده‌های شانزدهم، هفدهم و هجدهم
۱۳۳. ۲-۹. حکومت طبیعی
۱۳۸. پیوست: شواهد کالبدی و نتایج تجربی
۱۴۱. ۳. کاربرد حکومت طبیعی: قانون زمین انگلستان
۱۴۱. ۳-۱. مقدمه
۱۴۳. ۳-۲. نگاه تاریخی
۱۵۴. ۳-۳. داد و ستد، مذهب، حقوق و قانون مالکیت
۱۶۱. ۳-۴. فنودالیسم ناباک
۱۷۰. ۳-۵. فنودالیسم ناباک و غیره: مبنای سازی مالکیت
۱۷۹. ۳-۶. نوع‌شناسی حکومت طبیعی
۱۸۲. پیوست
۱۸۲. واژه‌نامه اصطلاحات فنی مربوط به کاربرد زمین
۱۸۳. تخمین تمرکز مالکیت زمین در انگلستان سده‌های میانه
۱۸۹. ۴. نظم دسترسی باز
۱۸۹. ۴-۱. مقدمه
۱۹۲. ۴-۲. اشتراکات: ویژگی‌های نظم دسترسی باز
۱۹۷. ۴-۲-۱. پیش‌شومپیتر
۱۹۹. ۴-۳. نهادها، باورها، و انگیزه‌های پشتیبان دسترسی باز
۲۰۱. ۴-۴. عضویت‌پذیری: گسترش شهروندی
۲۰۵. ۴-۵. کنترل خشونت در نظم دسترسی باز
۲۰۶. ۴-۶. رشد دولت

۲۱۰. ۴-۷. نیروهای ثبات بخش کوتاه مدت
۲۱۱. ۴-۷-۱. انتخابات، رقابت حزبی و جامعه مدنی
۲۱۷. ۴-۷-۲. رقابت بازار
۲۲۱. ۴-۷-۳. دلالت ها
۲۲۲. ۴-۸. نیروهای ثبات بخش بلند مدت: کارایی تطبیقی
۲۲۶. ۴-۸-۱. منابع تغییر در نظم دسترسی باز
۲۲۷. ۹. چرا نهادها در دسترسی باز متفاوت از دسترسی محدود عمل می کنند
۲۳۲. ۴-۱۰. «اقدام جمعی» جدید و نظریه رانت جویی
۲۳۴. ۱۱-۱. دموکراسی و بازتوزیع
۲۳۸. ۴-۱۲. کارایی بیمه و انتقال آشکار اقتصاد و سیاست در نظم دسترسی باز
۲۴۳. ۵. گذار از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز: شرایط آستانه ای
۲۴۳. ۵-۱. مقدمه
۲۴۶. ۵-۲. روابط شخصی و غیر شخصی: شرایط آستانه ای
۲۵۱. ۵-۳. شرط آستانه ای شماره ۱: حاکمیت قانون برای فساد
۲۵۷. ۵-۴. شرط آستانه ای شماره ۲: سازمان های دائمی و حاکمیت های عمومی و خصوصی
۲۶۷. ۵-۴-۱. حرکت به سمت شرایط آستانه ای در اروپا: دلالت ها
۲۷۰. ۵-۵. شرط آستانه ای شماره ۳: کنترل یکپارچه نظامیان
۲۸۷. ۵-۶. نیروی دریایی و حکومت بریتانیا
۲۹۵. ۵-۷. زمان، نظم و قالب های نهادی
۲۹۹. ۶. گذار واقعی
۲۹۹. ۶-۱. نهادهای سازی دسترسی باز
۳۰۵. ۶-۲. ترس از جناح بندی
۳۱۵. ۶-۳. رویدادها
۳۲۵. ۶-۴. احزاب و شرکت های بزرگ
۳۲۸. ۶-۵. گذار به دسترسی باز در بریتانیا

- ۳۳۷ ۶-۶. گذار به دسترسی باز در فرانسه
- ۳۴۹ ۶-۷. گذار به دسترسی باز در ایالات متحده
- ۳۶۵ ۶-۸. نهادهای سازی دسترسی باز: چرا غرب؟
- ۳۶۶ ۶-۸-۱. ایجاد شرایط آستانه‌ای و تسلط غرب بر جهان
- ۳۶۹ ۶-۸-۲. گذار واقعی
- ۳۷۹ ۷. دستورکار پژوهشی نو برای علوم اجتماعی
- ۳۷۹ ۷-۱. مشکلات چهارچوب‌دهی
- ۳۸۴ ۷-۲. رچوب مفهومی
- ۳۸۸ ۷-۳. رد سرر حدید به علوم اجتماعی: خشونت، نهادها، سازمان‌ها و باورها
- ۳۹۶ ۷-۴. ویکری نو: علوم اجتماعی: توسعه و دموکراسی
- ۴۰۳ ۷-۵. به سمت نظایه از حکومت
- ۴۰۸ ۷-۶. خشونت و نهادها: اجتماعی: راه پیش رو
- ۴۱۱ نمایه
- ۴۳۳ پی‌نوشت‌ها

مقدمه مترجم

داگلاس نورث برنده نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۳ که سال گذشته درگذشت از جمله سرشناس‌ترین نهادگان جهان بود. او که در کودکی سختی و مرارت مردم آمریکا در بحران بزرگ اقتصادی سال ۱۹۲۹ را به چشم خویش دید و در جوانی و سال‌های جنگ جهانی دوم به خدمت سربازی در بروی دریایی احضار شد، در خاطراتش (نقل به مضمون) می‌گوید: «به دنبال تحصیل در رشته‌های من گشتم تا بتوانم قدری از درد و رنج بشری بکاهم و آن را در علم اقتصاد و سپس توسعه اقتصادی و سرانجام اقتصاد نهادگرایی یافتم.» حاصل همکاری پژوهشی نزدیک او با یک همکار در دهه پایانی عمر پربارش تولید این نظریه بود که «رمز توسعه یافتگی، الگوی دسترسی به منابع و روابط اجتماعی است به گونه‌ای که قواعد و قوانین غیرشخصی، دسترسی همگانی به منابع و زمان‌های سیاسی و اقتصادی را میسر و تضمین کند.»

نورث به همراه والیس و وینگاست ده سال پیش مقاله‌ای طولانی با عنوان «چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت‌شده بشری»^۱ منتشر کردند. همایش‌ها، سخنرانی‌ها، نقدها و اظهارنظرهای بسیاری را برانگیخت. نورث و همکاران وی ویژگی کشورهای درحال توسعه را نظم دسترسی محدود یا حکومت طبیعی می‌دانستند و مقاله با این جملات شروع می‌شد: «نه علم اقتصاد و نه علم سیاست هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند

1. North, Douglass C., John Joseph Wallis, and Barry R. Weingast, (2006) "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History" NBER Working Paper, No. 12795, December, pp. 1-80.

فرایند توسعه اجتماعی مدرن را تبیین کنند. این واقعیت که جوامع توسعه‌یافته همیشه اقتصاد توسعه‌یافته و سیاست توسعه‌یافته داشته‌اند حاکی از این است که ارتباط بین علم اقتصاد و علم سیاست باید بخش بنیادی از فرایند توسعه باشد. در این مقاله یک نظریه منسجم از علم اقتصاد و علم سیاست را شرح و بسط داده‌ایم. ما نشان می‌دهیم چگونه از ۱۰ هزار سال پیش، نظم‌های اجتماعی با دسترسی محدود شکل گرفت که امکان کنترل خشونت، برقراری نظم و تولید بیشتر از طریق تخصص و مبادله را فراهم کردند.

پس از خواندن مقاله، بی‌درنگ آن را ترجمه کردم که در فصلنامه اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه به چاپ رسید.^۱ با اینکه در مقاله نامی از ایران برده نشده بود هر چه بیشتر در آن تأمل می‌کردم بازمی‌فهمیدم که این مورد که این نظریه چقدر خوب می‌تواند رویدادهای اقتصاد سیاسی و رفتارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، دینی و حتی آموزشی در طول تاریخ ایران را تبیین کند. بسیار علاقه‌مند شده بودم تاریخ دست‌کم یکصد سال گذشته کشور را از دریچه و نگاه نه‌تنها و همکاران وی آزمون و تحلیل کنم اما شوربختانه این فرصت تاکنون فراهم نشده. سه سال پس از انتشار مقاله یادشده، مطالب آن به شکل مفصلتر و طبقه‌بندی‌شده در قالب کتابی با عنوان اصلی «خشونت و نظم‌های اجتماعی» و عنوان فرعی همان مقاله منتشر شد. نویسندگان در این کتاب حکمت‌های طبیعی را به سه دسته تقسیم کردند: حکومت طبیعی شکننده که در آستانه فروپاشی است و نمی‌تواند از هیچ سازمانی به غیر از خود حکومت، پشتیبانی کند و بیشتر انرژی خود را صرف ایجاد اجماع بین فرادستان می‌کند تا صلح و آرامش حداقلی برقرار و بقای خود را حفظ کند. حکومت طبیعی پایه که تنها به سازمان‌های وابسته به حکومت اجازه شکل‌گیری می‌دهد و حکومت طبیعی بالغ که توانایی پشتیبانی از طیفی گسترده از سازمان‌های مدنی و سیاسی و اقتصادی فرادستان بیرون از دایره کنترل مستقیم حکومت را دارد. فرادستان با رسیدن به این مرحله، شروع به تنظیم و قانونمند کردن روابط بین خود می‌کنند که این ترتیبات اگرچه با منطق حکومت طبیعی همخوانی دارد اما می‌تواند زمینه را برای گذار به نظم دسترسی باز فراهم کند.

۱. نورث، داکلاس، جان والیس، و باری وینگاست (۱۳۸۵)، «چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری»، اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه، شماره ۳، صص. ۹۲ تا ۱۵۱.

پس از انتشار این کتاب، تلاش پژوهشی نویسندگان با سفارش و ویراست مقالاتی برای انتشار در کتاب کاربردی «در سایه خشونت» در سال ۲۰۱۲ برای نمونه‌ای از ۹ کشور که حکومت طبیعی داشتند یا از حکومت طبیعی گذر کردند و نیز تولید مقالات گوناگون دیگر تا زمان درگذشت نورث ادامه یافت.^۱

اگر بخواهیم پیام اصلی کتاب «خشونت و نظم‌های اجتماعی» را در دو جمله خلاصه کنیم این نقل قول از مونتسکیو به کار می‌آید که می‌گوید: «در عصر طفولیت جوامع، رؤسای حکومت نهادها را شکل می‌دهند؛ اما با بالغ شدن جوامع، نهادها به رؤسای حکومت شکل و قالبی خاص می‌دهند»^۲

نهادهای مشخص شده تحت‌اصناف^۳ و نهادهای غیرشخصی^۴ توصیفی از شرایط دو جامعه متفاوت مدنظر نورث و همکاران هستند.^۵ هدف پروژه آنها تولید نظریه‌ای میان رشته‌ای (اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی) است تا درک ما را از نظم‌های اجتماعی متفاوت بالا ببرد. نورث و همکاران با ارائه «نظریه نظم اجتماعی»^۶ مدعی هستند در دنیای کنونی دو نوع نظم حاکم است: در یک سو جوامع با نظام دسترسی محدود را داریم که فرادستان گردآمده در ائتلاف مسلط، با ایجاد انحصار و محدود کردن ورود دیگران به عرصه مدیریت نظام‌های سیاسی و اقتصادی، رانت خلق می‌کنند تا منافع را مهار کنند. در سوی دیگر،

۱. جای بسی خوشحالی است که سایر پژوهشگران از جمله وینگاست که دانشجوی و همکار پژوهشی نورث بود تا حد زیادی جای خالی او را در ادامه این مسیر پژوهشی پر می‌کنند و بر پختگی و عمق و غنای دیدگاه چهار رُب می‌افزایند (از کارهای اخیر وینگاست، کاربرد نظم دسترسی محدود برای کشور کره جنوبی یا نگارش کتاب «توسعه اقتصادی و امنیت: بحران، امنیت و تجدید توازن نهادی» و بررسی تاریخی نظم دسترسی محدود در اندیشه‌های ادام اسمیت است).

2. "In the infancy of societies, the chiefs of state shape its institutions; later the institutions shape the chiefs of state."

http://www.brainyquote.com/quotes/authors/c/charles_de_montesquieu.html.

3. Personalized institutions

4. Impersonal institutions

۵. برای اینکه اهمیت شخصی شدن از دید نورث و همکاران مشخص شود خوب است بدانیم که از اسم و صفت متمایز شخص (person)، شخصیت (persona)، شخصی (personal) و غیرشخصی (impersonal) و سایر ترکیبات آنها، در متن کتاب (به غیر از فهرست، منابع و نمایه) ۵۱۱ بار و در بخش نتیجه‌گیری (فصل کوتاه هفتم) ۶۵ بار استفاده شده است (به‌طور میانگین در هر صفحه کتاب دو بار).

6. "Theory of Social Orders" (TSO)

نظم دسترسی باز را داریم که در آنها حکمرانی غیرشخصی و باور و تعهد همگانی به برابری و فراگیری (شمولیت) وجود دارد و رقابت آزاد سیاسی و اقتصادی است که میزان دسترسی به منابع جامعه را تعیین می‌کند. در حالی که انواع نظم دسترسی محدود از ۵ تا ۱۰ هزار سال پیش به این سو وجود داشته‌اند (که به همین علت نویسندگان آنها را حکومت‌های طبیعی می‌نامند)، جوامع دسترسی باز تنها در ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال گذشته ظاهر شده‌اند.

مشرین پرسشی که ذهن جستجوگر نورث را تمام عمر به خود مشغول کرده بود این پرسش اساسی بود که چرا کشورهای جهان برحسب درآمد سرانه دویاره و واگرا شده‌اند؟ بیشتر کشورها ۸۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند) در توسعه نیافتگی گرفتارند و تنها گروهی از آنها (حدود ۱۵ درصد جمعیت جهان و ۲۰ تا ۲۵ کشور) با میانگین درآمد سرانه ۱۰ برابر میانگین درآمد سرانه گروه نخست، به سطوح بالایی از توسعه اقتصادی و سیاسی رسیده‌اند. نویسندگان این کتاب مانند سایر نهادگرایان، نهادهای سیاسی و اقتصادی را متهم اصلی نابرابری شدید در آسایش بین کشورها (و همچنین درون کشورها) می‌دانند. آنها با این فرض اساسی شروع می‌کنند که هدف اولیه هر نوع نظم اجتماعی مهار خشونت و اعمال زور است. اساساً تمامی علم‌های اجتماعی توانایی حل مشکل مهار خشونت را دارند اما این کار را به شیوه‌های بسیار متفاوت انجام می‌دهند.

از ویژگی‌های نظم دسترسی محدود، اندک بودن تعداد سارانه‌ها (احزاب، اتحادیه‌های کارگری، تشکلات صنفی کارفرمایی، اتاق‌های بازرگانی، باشگاه‌ها و سمن‌های گوناگون بخش خصوصی) است. در عین حال همان تعداد اندک سارانه‌های موجود در نظم دسترسی محدود نیز عمدتاً به حکومت وابسته و مرتبط‌اند، دولت به شدت متمرکز و غیرفراگیر است (دولت‌های استانی و محلی نقش بسیار اندکی دارند)، روابط اجتماعی براساس ملاک‌های شخصی تعریف می‌شوند و قواعد بازی در گستره اجتماع به شکل نابرابر و تبعیض‌آمیز اجرا می‌گردند (اجازه فعالیت اقتصادی و سیاسی به عنوان یک امتیاز شخصی و نه حق عمومی داده می‌شود)، حقوق مالکیت تعریف شده و تضمین شده نیست و حس غالب این است که با همه افراد جامعه به شکل برابر برخورد نمی‌شود.

اما در نظم دسترسی باز، رقابت سیاسی و اقتصادی است که ثبات اجتماعی را حفظ و خشونت

را مهار می‌کند. جامعه دسترسی باز با انبوهی از سازمان‌های متنوع، دولت غیرمتمرکز و فراگیر، همچنین روابط اجتماعی غیرشخصی، حاکمیت قانون، حقوق مالکیت مطمئن، و حدود قابل توجهی از عدالت و برابری تعریف می‌شود. همه این ویژگی‌ها نشانگر برابری همگان در برابر قانون است که در نتیجه به جامعه مدنی پویا و غنی و توسعه اقتصادی و سیاسی مداوم می‌انجامد.

اگرچه هر دو نظم قادر به ایجاد ثبات اجتماعی هستند، رشد اقتصادی باثبات و پایدار و توسعه سیاسی ماندگار در نظم دسترسی باز رخ می‌دهد. چرا که نهادهای به ظاهر یکسان مانند سوکاسی و انتخابات، یا شورای رقابت و خصوصی‌سازی در این دو نظم اجتماعی کارکردهایی کاملاً متفاوت دارند.

نویسندگان بر پایه تجربه‌های تاریخی گذار در ۳۰۰ سال گذشته، سه شرط آستانه‌ای را معرفی می‌کنند که کشورها باید برای گذار به نظم دسترسی باز باید آنها را تامین کنند. همین که جامعه‌ای موفق شود این سه شرط آستانه‌ای را به بیشترین میزان ممکن محقق کند، در آستانه جامعه دسترسی باز قرار می‌گیرد که به تدریج آن باید آن شروط را کاملاً فراگیر و نهادینه سازد. این سه شرط عبارت‌اند از: حاکمیت قانون، فرادستان، وجود سازمان‌های با عمر دائمی، و کنترل سیاسی یکپارچه بر نظامها. معمولاً شرط یک مقدم بر دو شرط دیگر است و سپس سه شرط در تعامل با هم یکدیگر را تقویت می‌کنند.

نخستین شرط اینکه فرادستان آماده برای برقراری حاکمیت قانون دست‌کم بین خودشان باشند (به بیان دیگر، این قشر از جامعه حاضر شود امتیازات به نفع خود را به حقوق تبدیل کند و به رسمیت بشناسد). لازمه شرط نخست چیست و ویژگی‌ها و تبعاتی برای فرادستان دارد؟ لازمه آن استقرار یک نظام دادگستری است که افراینده عدالت و مدت زمان مناسب، به خدمات اداری و دادگاه‌ها دسترسی داشته و احکام را اجرای آنها دست‌کم در رابطه با فرادستان، الزام‌آور و بی‌طرفانه باشد.

شرط آستانه‌ای دوم ایجاد سازمان‌های دائمی (شامل خود حکومت) است که حقوق و وظایف مشخص و تعریف شده دارند و مستقل از هویت هر یک از اعضای آن سازمان به فعالیتشان ادامه می‌دهند. با تفکیک نهاد (شخصیت حقوقی) از فرد (شخصیت حقیقی) است که فعالیت‌های کشور تداوم و پیوستگی می‌یابند و بنابراین احساس ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در بین آحاد جامعه و به‌ویژه

فعالان اقتصادی (کارآفرینان و سرمایه‌گذاران) ایجاد می‌کنند. به گفته نویسندگان «مجموعه‌ای از قالب‌های سازمانی ضروری است که حکومت و دادگاه‌ها آنها را به رسمیت بشناسند به طوری که عمر سازمان فراتر از عمر یکایک اعضای سازمان باشد.» پس خود حکومت هم باید به سازمانی با عمر دائمی تبدیل شود. شرط دوم باعث تقویت شرط نخست می‌شود تا با همدیگر بتوانند راه را برای گذار از روابط شخصی به غیرشخصی در جامعه باز کنند.

شمار سوم یعنی کنترل سیاسی کامل و یکپارچه بر همه نیروهای نظامی، مستلزم وجود یک سازمان مدنی غیرنظامی است که توانایی کنترل همه منابع نظامیان (مانند بودجه و سازوبرگ نظامی، در کشور و مجموعه موافقت‌نامه‌های معتبر تعیین‌کننده چگونگی (و شرایط) استفاده از زور و قدرت علیه افراد و اعضای ائتلاف را داشته باشد. این شرط آستانه‌ای به معنای فله‌گشتن از سه حالت زیر است: (۱) فردستانی که هر کدام نیروی نظامی و توان خشونت‌زایی تخصصی و موازی دارند، (۲) دیکتاتوری نظامی، و (۳) دموکراسی ظاهری اما با نظام استوار و شایسته‌ای سیاستمداران نه مطیع و گوش به فرمان سیاستمداران). در حالت دوم و سوم، حامیان یک گروه فرادست خاص خود تشکیل می‌دهند و فرایند سیاسی (از جمله انتخابات) را کنترل و مهندسی می‌کنند. پس باید نیروهای مسلح، به صورت قانونی و از طریق نهادهای سیاسی کنترل و مهار شوند و از دخالت نظامیان در زندگی اجتماعی و امور سیاسی جلوگیری شود.

نویسندگان تعدادی اصل کلی را برمی‌شمارند که در اکثر موارد حاکم بوده است: (۱) گذارها حالت خودکار ندارند و برگشت‌پذیر هستند، (۲) همه گام‌ها به مرحله گذار باید درون منطق حکومت طبیعی برداشته شوند و بنابراین با رضایت فرادستان باشند، (۳) جابه‌جایی‌ها در دسترسی اقتصادی و سیاسی در همه زمان‌ها عمیقاً به هم مرتبط‌اند (که آن را توازن دوگانه می‌نامند یعنی یا اقتصاد و سیاست بسته و محدود داریم یا اقتصاد و سیاست باز و رقابتی).

۱. منظور اینکه فرادستان طی گذار بین دو نظم اجتماعی از منافع خود دست نمی‌کشند بلکه امتیازات شخصی و منحصر به فرد خود را به حقوق غیرشخصی تبدیل می‌کنند که همه فرادستان به‌طور برابر از آنها برخوردار می‌شوند. نویسندگان نشان می‌دهند در کشورهای پیشرو گذار (مانند انگلستان، فرانسه و آمریکا)، نهادها یا تمهیداتی باعث گذار شدند که خلق و ایجاد آنها ناشی از سایر اهداف در ذهن فرادستان بوده است یعنی نه با نیت ایجاد جامعه دسترسی باز، چون که کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند چنین جامعه‌ای واقعاً چه چیزهایی در پی خواهد داشت.

مسئله اول توسعه

از نظر نورث و همکاران وی، نظم دسترسی محدود، مجموعه‌ای معین از نهادهای سیاسی، اقتصادی یا دینی نیست بلکه قالبی بنیادین برای سازمان‌دهی جوامع است. آنها یک نوع‌شناسی از حکومت‌های طبیعی با ویژگی‌های متفاوت ارائه می‌دهند که به ترتیب عبارتند از حکومت طبیعی شککنده، حکومت طبیعی پایه و حکومت طبیعی بالغ.

در حکومت طبیعی شککنده، ائتلاف موجود به دنبال حفظ انسجام در رویارویی با خشونت درونی و بیرونی است. منافع فردی و هویت‌های شخصی، انسجام ائتلاف را تضعیف می‌کند و تلاش قوا به سرعت تغییر می‌دهد که این امر نظم اجتماعی را تهدید می‌کند. احتمال بهم خوردن ائتلاف در هر زمان وجود دارد و هدف اصلی رهبران، حفظ و بقای خود است. هر زمانه حدی از قبیل تغییر ناگهانی قیمت کالاهای اساسی یا کمبود منابع، بیماری، مرگ یا کسب شدن یک عضو از اعضای ائتلاف، به پیدایش ائتلافی جدید یا بازچینش محسوس منافع شخصی در ائتلاف می‌انجامد. نهادهای رسمی حالت ژله‌ای دارند و حقوق خصوصی و عمومی در خدمت رایج در شبکه‌های مراد - مریدی است که خود عامل بازدارنده خشونت و ابزار حل اختلافات است. در حکومت طبیعی شککنده قدرت کاملاً پراکنده و صلح مسلح حاکم است که نه تنها سیاست به تعبیری همان جنگ است، بلکه اقتصاد نیز همان سیاست است. خطای بسیار افراد برای آنها تا حدی از دست دادن جان خویش ریسک دارد. در حکومت طبیعی شککنده سازمان‌های خصوصی فرادستان وجود ندارد تا در روز مبادا به پشتیبانی از حکومت برخیزند.

در حکومت طبیعی پایه، ائتلاف‌ها با ثبات‌ترند و نهادهای منسجم و مستحکم حقوق عمومی به تدریج شکل می‌گیرند که چهارچوب سازمانی ائتلاف را تثبیت و تقویت می‌کنند. قالب‌های نهادینه‌شده بادوام‌تر است و ائتلاف کمتر در معرض نوسانات درونی ناشی از شخصیت افراد قرار می‌گیرد. اما فرایند جانشینی رهبران، گذار بین ائتلاف‌های مسلط، مدیریت موضوعات اقتصادی (توزیع رانت‌ها و تقسیم غنایم)، همگی فرصت‌هایی برای مذاکره مجدد و خشونت‌ورزی درون ائتلاف مسلط فراهم می‌کنند که به صورت بالقوه خطرناک‌اند.

حفظ حکومت طبیعی پایه مستلزم اینست که همه گروه‌های فرادست که ائتلاف غالب را

تشکیل می‌دهند خود را مقید به حضور در زیر چتر حکومت بدانند و عناصر تشکیل‌دهنده اقتدار حاکم باشند. چون حاکمیت قانون با حکم و فرمان استقرار نمی‌یابد قانون به آسانی باطل‌شدنی است و کوشش‌های فراوان برای استقرار آن در حکومت طبیعی پایه ممکن است به ناکامی منجر شود. تنها سازمان‌هایی قابلیت دوام دارند که پیوندها و ارتباطات مستقیم با حکومت داشته باشند. امتیازات فرادستان در همخوانی نزدیکی با حکومت تعریف می‌شود، و هر کسی خواهان انجام فعالیت پیچیده‌ای باشد که به ساختار سازمانی پیشرفته نیاز دارد لاجرم باید از حکومت و نهادهای حکومتی به‌عنوان ابزار سازماندهی و پشتوانه فعالیت خود استفاده کند. از آنجا که حکومت طبیعی پایه از جامعه مدنی سرزنده و توانمند حمایت نمی‌کند پس در بهترین حالت، تنها سازمان‌های رقیب حکومت بسیار اندک‌اند. نکته مهم اینکه هیچ تضمینی نیست که حکومت طبیعی به سمت حکومت طبیعی بالغ پیش برود. وجود موانع ورود و رفتار رانت‌جویانه مانع گذار موفق اقتصاد به ساختار بالغ می‌شود. در حکومت طبیعی بالغ، نهادهای خصوصی بادوام می‌شوند اگر به دسترسی به آنها محدود به اعضای ائتلاف غالب است. نهادهای حکومت طبیعی، مع برعکس حکومت طبیعی پایه، توانایی پشتیبانی از آن دسته از سازمان‌های فرادستان را دارند که وابستگی نزدیکی به حکومت ندارند. در حکومت طبیعی بالغ چون نظامیان و گروه‌های فشار موجود به فهم و درک بهتری از واقعیت‌های جدید می‌رسند شکلی از حاکمیت قانون برای سازمان‌ها به منصه ظهور می‌رسد. نهادهای یاری‌گر استقرار حاکمیت قانون به گونه‌ای در حکومت حاکم و تثبیت می‌شوند تا بتوانند در برابر کشش‌های مکرر به سمت حکومت طبیعی پایه مقاومت کنند. به واسطه این نهادهای یاری‌گر ترتیب و اولویت امتیازات میان اعضای ائتلاف مسئله به‌طور منظم تغییر می‌کند و اجازه تسلط روزافزون و دائمی یک گروه فرادست را نمی‌دهد. حقوق عمومی نیز به ویژه در ترکیب با مفهوم شخصیت حقوقی در خدمت پشتیبانی از حاکمیت قانون درمی‌آید و شخصیت‌های حقوقی قابلیت برعهده گرفتن حقوق و مسئولیت را دارند.

نورث، والیس و وینگاست به همراه استیون وب در مقدمه‌ای که در سال ۲۰۱۲ بر کتاب «در سایه خشونت» نوشتند اذعان کردند که در کتاب پیشین خود (خشونت و نظم‌های اجتماعی) مسئله اول توسعه به درستی مورد بحث قرار نگرفته بود. منظور آنها از مسئله اول توسعه این

است که جوامع چگونه از حالت حکومت‌های طبیعی شککننده به سوی حکومت‌های طبیعی پایه و در ادامه به حکومت‌های بالغ حرکت می‌کنند. مسئله اول توسعه چگونگی سیر تحول و تکامل حکومت‌های طبیعی است که با اعطای امتیاز و تقسیم منافع بین اعضای ائتلاف فرادستان که قابلیت خشونت‌ورزی دارند، خشونت را کنترل و راه را برای رشد و توسعه پایدار هموار می‌کنند.^۱

حکومت طبیعی جلوی تأسیس و دسترسی به هر گونه شکل و قالب سازمانی را گرفته و به تبع آن همه سازمان‌های موجود در حکومت‌های طبیعی، دسترسی به منابع، امتیازات، و فعالیت‌ها را محدود می‌کنند. گروه‌های فرادست همچنین خود را با خطر زیاده‌تخصص‌یابی و مزیت‌یابی در برخی موارد مواجه می‌بینند که باید با آن به مقابله برخیزند تا افرادی تازه مدعی فرادستی نشوند. این احتمال وجود دارد که رقیبان و مدعیان جدید فرادستی، از در ستیز و مبارزه با جایگاه‌شان از ائتلاف مسلط درآیند. نتیجه اینکه حکومت‌های طبیعی در هراس از ظهور قالب‌ها و سازمان‌های جدید، همیشه خود را در شرایط حساس و بحرانی و موضع مبارزه و مقابله با رقبای احتمال‌مربین قرار می‌دهند که بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری را ویژگی ثابت این حکومت‌ها می‌سازد.

دسترسی برابر و نبود تبعیض

نظم دسترسی باز دارای ویژگی فراگیربودن و شمولیت است یعنی در آنجا شهروند درجه یک و درجه دو (خودی و غیرخودی) وجود ندارد. در این جوامع، فرزند باورداشتن به برابری همه انسان‌ها و دسترسی آزاد به بازارها، و مشارکت سیاسی تمامی افراد شمولیافته است. دسترسی همه به کالاهای عمومی از حاکمیت قانون گرفته تا تخصیص امکانات بهداشت عمومی، زیرساخت‌ها، و نظام بیمه اجتماعی همگانی فراهم است.

نویسندگان در پاسخ به این پرسش مهم که چرا نیروهای فعال در جوامع دسترسی محدود، توانایی حرکت از قالب‌های سازمانی ساده به پیچیده‌تر را ندارند با اتکا به منطق جوامع دسترسی باز علت را در نبود تخریب خلاق^۲ در هر دو عرصه اقتصادی و سیاسی می‌دانند:

۱. مسئله دوم توسعه هم‌گذار از حکومت دسترسی محدود به دسترسی باز است.

۲. تخریب خلاق که از ابداعات شومیتز است رمز پیشرفت پیوسته اقتصادی هر جامعه را در اجازه دادن به نابودی و

«دسترسی باز و آزادی ورود به سازمانها در اقتصاد، از دسترسی باز در عرصه سیاست پشتیبانی و دسترسی باز و آزادی ورود به سیاست نیز از دسترسی باز در اقتصاد پشتیبانی می‌کند. مجموعه‌ای گوناگون و گسترده از سازمانها بر مبنای دسترسی باز در اقتصاد تأسیس میشوند که کارگزاران اصلی فرایند تخریب خلاق به‌شمار می‌روند. به این ترتیب بنیادی برای جامعه مدنی به‌وجود می‌آید، یعنی گروههای بسیاری در جامعه وجود دارند که هنگام تهدید منافع خود از قابلیت تبدیل شدن به فعال سیاسی برخوردارند. تخریب سازنده در عرصه اقتصادی موجب میشود تا توزیع منافع اقتصادی به‌طور دائم جابه‌جا شود و مقامات سیاسی رای تثبیت و تحکیم مزایا و امتیازات ویژه خویش، از طریق رانت‌جویی با مشکل مواجه می‌شوند. به همین ترتیب، دسترسی باز در عرصه سیاست از طریق رقابت حزبی به تخریب خلاق سیاسی منجر میشود. حزب رقیب و مخالف برای پیش‌رفتار حزب حاکم و رسوا نمودن سرگود، تلاش برای تحریف و تفسیر واژگونه قانون اساسی، به‌ویژه حفظ دسترسی باز، انگیزه‌های بیشتری دارد. با آن که مخالفان در نظامهای انتخاباتی حکومت طبیعی نیز انگیزه‌هایی مشابه دارند اما بود دسترسی باز و محدودیت‌هایی که برای رقابت وجود دارد، از توانایی مخالفان برای مقابله با تلاش‌های جناح حاکم، در مقایسه با توانایی مخالفان در نظم دسترسی باز میکاهد. به بیان ساده رقابت حزبی در حضور نظم دسترسی باز نسبت به رقابت حزبی در حالت دسترسی محدود، کارایی بسیار بیشتری دارد.»

اندازه دولت

بزرگ شدن دامنه وظایف اساسی دولت یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های گذار از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز است. نویسندگان استدلال می‌کنند همان‌طور که کشورها از حکومت‌های طبیعی پایه به بالغ و سرانجام به نظم دسترسی باز حرکت می‌کنند، گسترش حق شهروندی با تدارک و عرضه بیشتر کالاهای عمومی و افزایش مخارج عمومی همراه است که صرف تحصیلات عمومی، زیرساخت‌ها، و برنامه‌های بیمه اجتماعی می‌شود.

خروج صنایع قدیمی و ناکارا و ورود و شکوفایی بنگاه‌های جدید نوآور می‌داند. وی نام چنین تحولی را که به زبان برخی گروه‌ها و به نفع گروه‌های دیگر و کل جامعه تمام می‌شود تخریب خلاق می‌گذارد.

بنابراین دولت بزرگ در نظم دسترسی باز، «لزوماً یک انحراف و ناپهنجاری نیست، بلکه ویژگی جدانشدنی این نوع جامعه است.»

برخورد برابر و سهم کردن گسترده همه شهروندان در نظم دسترسی باز، نیازمند چنین دولت بزرگی است. بودجه عمومی که صرف گسترش خدمات آموزشی و سایر زیرساخت‌ها می‌شود، همین‌طور ارائه خدمات گوناگون تأمین اجتماعی شامل بیمه بیکاری، بیمه سالمندی، از کار افتادگی و درمان، جملگی نیازمند تدارک و تأمین برنامه‌های پرهزینه است. بنابراین دولت در نظم دسترسی باز، بزرگتر از دولت در حکومت‌های طبیعی است و اقدامات و سیاست‌های بسیار بیشتر مکمل بازارها است. نتیجه امر، حرکت از ارائه و توزیع کالاهای خصوصی (یا کالاهای با اهداف سیاسی و مریدپروری) تحت روابط غیررسمی و شخصی به سمت ارائه کالاهای عمومی از طریق بودجه شفاف دولت تحت نظام‌هایی مبتنی بر روابط رسمی و غیرشخصی است.

رانت و معضل فساد

نویسندگان این فرض را که حکومت‌های طبیعی ر «حق انحصاری» در استفاده مشروع از زور برخوردار هستند زیر سوال می‌برند. آنها معتقدند چنین انحصاری را نباید مفروض و بدیهی گرفت. در حکومت‌های طبیعی، انواع سازمان‌ها وجود دارند که هر کدام مستقلاً و به طور بالقوه دارای ظرفیت ایجاد خشونت‌اند. تعادل زمانی حفظ می‌شود که در سر شیوه تقسیم امتیازات و رانت‌ها توافق شود. توزیع امتیازات و انحصارات به شکل معزّله، یارانه‌ها، معافیت‌ها و غیر آن، و به تبع آن کالاهای و خدمات به توزیع قدرت و روابط مبتنی بر دسترسی به خشونت بستگی دارد. با توزیع رانت بین کارشناسان خشونت و سرکوب رقابت، صلح و آرامش برقرار می‌شود. فساد یا رانت‌جویی به مثابه عامل پیونددهنده فرادستان در بطن این حکومت‌ها عمل می‌کند که آنها را از دست زدن به خشونت باز می‌دارد.

کسانی که درصدد اصلاح این جوامع‌اند نسبت به وجود فساد شکایت می‌کنند؛ اما پایان دادن به فساد به معنای نابودی این تعادل رانتی و خطر بروز خشونت و جنگ داخلی است. کشورهای افغانستان و عراق پس از آزادسازی، و مصر و لیبی پس از بهار عربی از جمله

این گونه‌ها هستند. نتیجه اینکه نویسندگان، خلق رانت با محدود کردن دسترسی به عرصه‌های اقتصادی و سیاسی را در حکومت طبیعی، صرفاً یک روش ثروت‌اندوزی و برگردن جیب اعضای ائتلاف غالب نمی‌دانند، بلکه آن را ابزاری حیاتی برای کنترل خشونت تلقی می‌کنند. کارکرد همه حکومت‌های طبیعی بر اساس شبکه مریدپروری - بنده‌نوازی - ارادقندی استوار است. اما گذار به جامعه دسترسی باز مستلزم انحلال این چهارچوب کلاسیک است. این همه رانت‌هایی هستند که زمینه‌ساز فسادند. چرا فساد در این جوامع تا این حد زیاد و فراگیر است؟ چون جامعه روابط شخصی و غیررسمی (رفاقت به جای رقابت یا رابطه سالاری به جای شایسته سالاری) را باور کرده و پذیرفته است که خود عین فساد است. فساد محصول ذاتی کارکرد این نظم اجتماعی است. اما با حرکت جوامع به حکومت طبیعی بالغ و سرانجام نظم دسترسی باز، پادشاهان، متمرکزی تکامل می‌یابند که حاکمیت قانون را برقرار و پیدایش روابط سازمانی غیرشخصی و رسمی را تسهیل می‌کنند که در نتیجه آن، فساد کم می‌شود.

توضیح راهگشای نویسنده در این باره چنین است: «با وجود تلاش تمام حکومت‌ها برای خلق رانت، به علت تفاوت نظم اجتماعی، میزان خلق رانت توسط آنها یکسان نیست. اگرچه نظم دسترسی باز جلوی خلق رانت را نمی‌گیرد اما خلق آن نوع رانتی را که اثرات منفی بر جامعه می‌گذارد (رانت نامولد) محدود می‌کند. امکان خلق رانتی که تنها به تأمین منافع گروهی خاص بینجامد وجود دارد اما میزان این احتمال در جامعه دسترسی باز نسبت به حکومت طبیعی بسیار کمتر است. عکس احتمال خلق رانتی که منجر به منفعت‌بردن گروه‌های بزرگ و فراگیر شود، یعنی بهره‌برداری از ارتقا دهد (رانت مولد)، در جامعه دسترسی باز نسبت به حکومت طبیعی بسیار بیشتر است.»

کتاب چه درس‌هایی برای اقتصاد ایران دارد؟

نگارنده که عمده مطالعاتش در حوزه اقتصاد سیاسی و توسعه اقتصادی و سیاسی ایران بوده است احساس می‌کند این کتاب تا حدی زیاد به دغدغه خوانندگان ایرانی علاقه‌مند به توسعه پاسخ می‌دهد. کتاب و بخش‌های گوناگون آن درس‌های مفیدی برای اقتصاد ایران دارد. برای مثال در سال‌های گذشته به کرات می‌شنویم که جدایی ثروت از قدرت (اقتصاد از سیاست) راهکار

خروج از دام توسعه نیافتگی است. اگرچه در این باره اتفاق نظر وجود دارد اما چهارچوب نظری و مفهومی مناسبی ارائه نشده است. به همین دلیل ما همچنان در کلاف مشکلات بنیادی باقی مانده ایم و با هر تقلای بیشتر، سردرگم تر می شویم. حُسن این کتاب در این است که چنین نقشه راه و فرایند گذار را پیش روی ما می گذارد و پاسخی به این خواسته و آرزوی اندیشمندان و دلسوزان ایران ارائه می دهد که چگونه می توان از تعادل معیوب و نامطلوب (دور باطل توسعه نیافتگی) که رآن قرار گرفته ایم به تعادل مطلوب (چرخه فضیلت) جابه جا شویم.

ایدیواژ دوگانه بین سیاست و اقتصاد، راهکار نورث و همکاران وی است. به نظر آنها هر کدام از نظام های سیاسی و اقتصادی دسترسی باز، امکان باز و رقابتی بودن مستقل و بدون دیگری را دارند. یعنی نظام اقتصادی رقابتی اگر درون نظام سیاسی دسترسی محدود واقع شده باشد با اتکال به ساختار و نهاد های درونی خود امکان پایداری و حفظ خود را نخواهد داشت. به همین ترتیب نظام سیاسی رقابتی لاجرم با وجود نظام اقتصادی دسترسی باز است که تداوم و بقا می یابد. اینکه چگونه و با تامین کدام شرایط آستانه ای می توانیم به سمت نظم دسترسی باز یا رقابتی کردن عرصه سیاست و اقتصاد حرکت کنیم و چه شروطی برای گذار واقعی به نظم دسترسی باز باید وجود داشته باشد تا به چنین خواسته ای برسیم پرسش هایی است که در این کتاب به آنها پرداخته می شود. در اینجا جرئت می توان ادعا کرد پاسخ هایی چنان مقبول به این پرسش ها می دهد که در آثار دیگر یافت نمی شود.

جامعه ایران دهه های متوالی (که اوج آن به دولت موسوم به اصلاحات می رسد) درگیر پاسخ به این پرسش بود که اهمیت و اولویت را باید به توسعه سیاسی یا توسعه اقتصادی. نویسندگان با یک نوآوری و معرفی مفهوم «توازن دوگانه» نشان می دهند جوامع یا تحولات توسعه سیاسی-اقتصادی هستند یا توسعه یافته سیاسی-اقتصادی. اگر فعالیت در نظم دسترسی باز را

۱. عملکرد چین با رشد اقتصادی بالا و بی سابقه طی نزدیک به چهار دهه گذشته که این کشور را از درآمد سرانه پایین به درآمد سرانه متوسط به بالا رسانید، ناشی از اقتصاد تقریباً دسترسی باز اما سیاست مطلقاً دسترسی بسته بوده است. این موفقیت اگر ادامه یابد و سطح درآمد چین را به درآمد بالا برساند می تواند یک استثنا بر نظریه نظم اجتماعی و توازن دوگانه نورث دیده شود و آن را به چالش بکشد و حتی مدعی نوع جدیدی از نظم اجتماعی باشد. اما اخبار و شواهد از فساد گسترده در چین و نارضایتی طبقه متوسط از به بازی گرفته نشدن در تصمیمات سیاسی بیانگر اینست که حاکمان و حزب کمونیست چین ناچار به گشایش فضا و رقابتی کردن عرصه سیاسی خواهند شد تا بقا و یکپارچگی نظام حفظ شود.

به حرکت قایق در رودخانه تشبیه کنیم برای به پیش رفتن این قایق باید از هر دو جانب راست و چپ فشار و نیروی توازن بخش وارد شود که این همان توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی است و غیبت هر کدام از این دو باعث انحراف یا واژگونی قایق خواهد شد. در نتیجه وعده سیاستمدارانی که شعار می‌دهند اقتصاد را تنها بر پایه اصلاحات اقتصادی شکوفا می‌کنند و رشد پایدار ایجاد خواهند کرد به هیچ وجه محقق‌شدنی نیست چون توجه همزمان به اصلاحات در حوزه سیاست نیز ضروری است. البته پیش از آن باید کشور را به تدریج و با خردمندی از مرحله حکومت طبیعی پایه تثبیت‌شده به مرحله حکومت طبیعی بالغ رسانید و از برگشت‌ناپذیری به سمت حکومت طبیعی پایه و شکننده مطمئن شد.

ضعف حاکمیت قانون تجاوز به حقوق مالکیت و اعطای امتیازات انحصاری به فرادستان حاکم، اقتصاد ایران را به اقتصادی نسبتاً راکد و دچار رخوت و خمودی تبدیل کرده است. عدم پایبندی به قانون و عدم شفافیت قوانین، در کنار رانت فراوان نفتی، اقتصاد ایران را شبیه فروشگاه ظروف چینی کرده است که دائم گرفتار دعوا و درگیری بین اعضای ائتلاف مسلط است و تنها نتیجه حاصله شکست و از بین رفتن ظروف فروشگاه است بدون اینکه منفعتی عاید جامعه شود. در اقتصاد ایران و انتصاب‌های مشابه که حکومت‌های طبیعی دارند، چون حقوق مالکیت به شکل برابر برای همه ابراهنی‌شود و بسیاری از دارایی‌ها به شکل منابع مشاع درآمده است انگار با کودکانی مواجهیم که با نی‌های خود از یک پارچ شربت می‌نوشند. هدف هر یک نوشیدن از این منبع شربت با بیشترین سرعت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن است که نتیجه آن در مقیاس کلان، تخلف و حتی شدن کشور از انواع منابع و دارایی‌های فکری و فیزیکی است (تراژدی منبع مشاع).

یک نگاه خوش‌بینانه به اقتصاد ایران این است که کشور به دلیل داشتن نیروی کار جوان و تحصیلکرده، منابع طبیعی فراوان و بازار بزرگ و موقعیت مناسب جغرافیایی به سادگی توان تبدیل شدن به کشوری توسعه‌یافته را دارد. اما ایده‌های نویسندگان کتاب نشان می‌دهد اینها اگرچه مهم‌اند اما تعیین‌کننده نیستند چرا که پیش‌شرط رشد پیوسته اقتصادی کنترل و مهار قانون‌غند و یکپارچه خشونت است. آنها ثابت می‌کنند کشورهای توسعه‌یافته دولت محلی بزرگ با خدمات عمومی و رفاهی و اجتماعی بالا دارند تا با جبران شکست‌های بازار،

ضربه‌گیری در برابر تکانه‌های بازار باشند. این دولت‌ها خدمات عام (مانند بیمه بیکاری همگانی) ارائه می‌دهند نه یارانه‌هایی که نصیب گروه‌ها و اقلیت‌های خاص شود.

صرف گفتن اینکه ایران دارای حکومت طبیعی است کار آسانی است اما اینکه تعیین کنیم در مقاطع گوناگون زمانی در کدامیک از سه مرحله شککنده، پایه و بالغ بوده و در کدام جهت پیش رفته کاری دشوار است. ایران در طول تاریخ و تمدن چند هزار ساله خود بارها هر سه نوع حکومت طبیعی را در مقاطع مختلف تاریخی تجربه کرده و رفت و برگشت‌ها (پیشرفت و پسرفت‌های) گوناگونی بین این سه نوع حکومت طبیعی داشته است.

چرا ایران هیچگاه به نظام دسترسی باز نرسد؟ چون حکومت‌های طبیعی در ایران نتوانستند، از زمان‌های عمومی و خصوصی خبره‌تر، پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر^۱ تأسیس کنند که توانایی تعدیل طبیعت، تکانه‌ها و اوضاع متغیر را داشته باشند و نیازمند تبدیل کردن حقوق فرادستان به امیارات رای آنها نباشد. حکومت‌های طبیعی اغلب دچار ازم گسیختگی جزئی یا کامل ائتلاف مصلحت‌طلبانند و به جای اصلاحات و تعدیل‌های قانونی، جنگ داخلی رخ می‌داد. سرنوشت تاریخی گذشته این با نظام قبیله‌ای ایلات و عشایر که منسور اولسن^۲ آنها را نظام حکومتی راهزنان سیاسی (در برابر راهزنان مقیم^۳) می‌نامد تا دوران بهلولی اول نزدیک به حکومت طبیعی شککنده بود. پس از آن صد سال گذشته، حکومت طبیعی پایه در حال شکل‌گیری بود. اما هر زمان (برای مثال، دهه ۱۳۴۰ و هشت ساله دولت خاتمی) قابلیت وارد شدن به حکومت طبیعی بالغ ایجاد شد، با وجود یک تکانه، خیلی سریع به ترتیبات اجتماعی خاص حکومت طبیعی پایه یا حتی شککننده^۴ مبدل گردیدیم.

آخرین فرصت تاریخی برای استقرار حکومت طبیعی بالغ و در ادامه آن استقرار سریع به سمت نظم دسترسی باز در دولت خاتمی فراهم شد. در صورت تحقق برنامه‌های اصلاحات و توسعه سیاسی با شکل‌گیری گفت‌وگو و چانه‌زنی بدون خشونت بین فرادستان، این امید می‌رفت که کشور وارد حکومت طبیعی بالغ شود و در فاصله سند چشم‌انداز ۲۰ ساله یعنی

1. Sophisticated Organization

2. Mancur Olson

3. roving bandits

4. stationary bandits

تا سال ۱۴۰۴ با تحقق نرخ رشد پیوسته ۸ درصدی به مرز کشورهای پردرآمد پیشرفته برسیم (نرخ رشد ۸ درصد در عرض ۲۰ سال، درآمد سرانه ۵ هزار دلاری را به درآمد سرانه ۲۰ هزار دلاری و بیشتر تبدیل می‌کرد. مرز ۲۰ تا ۲۵ هزار دلار درآمد سرانه جایی است که یک کشور وارد گروه کشورهای پردرآمد شده و با احتمال بسیار زیاد به نظم دسترسی باز به شکل برگشت‌ناپذیر گذار می‌کند).

۱. مجموعه عواملی از جمله بی‌توجهی اصلاح‌طلبان به اهمیت ائتلاف‌سازی، کوتاهی و غفلت در جلب اعتماد رأس هرم قدرت و قصور در همراه‌سازی مخالفان با اصلاحات و به زیر چتر قانون بر آوردن همه فرادستان، در نهایت به تضعیف و فراموشی ارزش‌های نظم دسترسی باز انجامید؛ ارزش‌های شهروندی مانند حاکمیت قانون، کنترل یکپارچه نظامیان، شفافیت، تقویت جامعه مدنی، شریعت برای محال ایران برای همه ایرانیان، و گفتگوی تمدن‌ها. نتیجه این بن‌بست و همچنین غفلت از برپا داشتن اخلاقیات اجتماعی و رفاهی بیشتر به طبقات پایین جامعه و توزیع عادلانه‌تر رانت‌ها، به برآمدن رانت‌اندوزی و رانت عظیم ناشی از رشد بی‌سابقه قیمت نفت نیز سوخت لازم برای تداوم دولت احمدی‌نژاد و عملی شدن وعده‌های یوپولیستی وی را فراهم ساخت و بسیاری از رشت‌ها را به کدو گزافه نیست اگر بگوییم ناجردی‌ها در هشت سال دولت احمدی‌نژاد کشور را ۲۰ سال عقب‌انداخته‌اند. این عقبگرد، به تعبیر نورث عقبگردی از سمت حکومت طبیعی بالغ به پایه بود و با تحمیل تعزیم‌های جهانی و خطر جنگ می‌رفت که کشور به حکومت طبیعی شکننده سقوط کند. با همه این‌ها، اصلاح‌طلبان و کج‌روی‌ها می‌توان امیدوار بود تا سال ۱۴۰۴ کشور به شرایط سال ۱۳۸۴ برسد و پس از آن با صرف چند سال دیگر بتوانیم به آستانه نظم دسترسی باز نزدیک شویم.

رئیس‌جمهور در کنفرانس اقتصاد ایران در دی ماه ۱۳۹۳ این پیشنهاد را مطرح کرد که «در کشور ما سال‌ها و دهه‌هاست که اقتصاد به سیاست یارانه می‌دهد... باید یک

۱. در حالی که نورث و همکاران وی از سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵-۶) به این سو، به فرادستان کشورهای در حال توسعه توصیه اکید می‌کردند از نهادهای شخصی‌شده به سمت رسمی‌شده و از دسترسی محدود به سمت دسترسی باز حرکت کنند شوربختانه در همان سال‌ها در ایران دولتی به قدرت رسید که سیاست را به امری کاملاً شخصی تبدیل کرد و کشور را هر روز بیشتر به سمت باندبازی و هوا و هوس رئیس خود فرو می‌برد که حتی جسارت کرد تا فاش بگوید من قانون را قبول ندارم و به تشخیص و صلاحدید خویش عمل می‌کنم.

روز تصمیم بگیریم که این اقتصاد ما تا کی به سیاست یارانه بدهد. اقتصاد هم به سیاست خارجی و هم به سیاست داخلی یارانه می‌دهد. بیاییم یک دهه برعکس کنیم و یک دهه امتحان کنیم و از سیاست خارجی و داخلی به اقتصاد یارانه بدهیم تا ببینیم زندگی و معیشت مردم و اشتغال جوانان چگونه خواهد شد.» براساس نظرات این کتاب می‌توان ادعا کرد که در حکومت‌های طبیعی مانند ایران، اقتصاد به سیاست نه چند دهه بلکه همیشه یارانه یا رانت داده است. فحواى سخن رئیس جمهور اینست که ایشان خواهان تبدیل شدن ایران به کشوری با نظم دسترسی باز است. اما با شرایط دشوار کنونی ابتدا باید عزم را جزم کرد و محکم و استوار بر حکمت طبیعی پایه به حکومت طبیعی بالغ گذر کرد (مسئله اول توسعه) و پس از آن است که با تأمین سه شرط آستانه‌ای که در بالا اشاره شد می‌توان امیدوار بود که به نظم دسترسی باز وارد شویم (مسئله دوم توسعه).

در مقام مقایسه می‌توانیم در تجربه کشه، کره جنوبی نام ببریم. کشوری که در دهه ۱۹۶۰ شرایط اقتصادی بسیار بدتری نسبت به ایران داشت اما طی چند دهه موفق شد با حرکتی پیوسته از حکومت طبیعی شکننده به پایه و بال ببالد. سپس در انتهای دهه ۱۹۹۰ خود را به آستانه نظم دسترسی باز رسانید و اینک هم وارد نظام دسترسی باز شده است.

کتاب چگونه خوانده شود؟

حجم کتابی که پیش روی شما قرار دارد خیلی زیاد نیست اما چون مخاطب متنوع و شواهد و مستندات تاریخی زیادی در آن ارائه شده است، خواندن آن ساده نخواهد بود. این امر به‌ویژه درباره فصل‌های ۳، ۵، ۶ و ۷ که پر از اطلاعات و رویدادهای مستند تاریخی و تجربه دنیای غرب است بیشتر صادق است. در نتیجه برای بهره‌مندی کلی از مطالب کتاب و برای خوانندگانی که وقت یا حوصله کمتری دارند، خواندن فصل‌های ۱، ۲ و ۴ توصیه می‌شود. فصل ۳ برای علاقه‌مندان به موردکاوی مفصل تاریخی و نقش فرادستان در حرکت بین حکومت‌های طبیعی شکننده، پایه و بالغ با تاکید بر عامل زمین و افزایش امنیت حقوق مالکیت زمین در انگلستان، ایده‌آل است. برای کسانی که به شرایط آستانه‌ای و فهم مسئله گذار از نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز علاقه‌مندند خواندن فصل‌های ۵ و ۶ پیشنهاد می‌شود. نورث و

همکاران وی تمام کوشش خود را به‌کار بردند تا گام به گام، زنجیره‌وار و پیوسته و با شاهد آوردن از جای جای تاریخ کشورهای انگلستان، فرانسه و امریکا در چند سده گذشته، نظریه خود را اثبات کنند. خواننده فارسی‌زبان با مطالعه این بخش‌ها احساس می‌کند در حال خواندن تاریخ پر از خشونت، غارتگری و رانت‌جویی دوران مغول‌ها، قاجاریه و زمان‌های پس از آن است. دورانی که شاهان و بزرگی خداوندگاری به خود می‌بخشیدند و قادر مطلق پنداشته می‌شدند، به یز حالت گذرا و شخصی و غیرقابل پیش‌بینی داشت، مناصب خرید و فروش می‌شد و صمیم‌های مستبدانه پادشاه و حلقه پیرامون وی به شکل دستکاری سیاسی در منافع اقتصادی از قبیل حقوق زمین سبب ناامنی و بی‌ثباتی شده و انباشت سرمایه را ناممکن می‌کرد.

نورث و مک‌کال، وی در انتهای کتاب پژوهشگران را فرامی‌خوانند که مفاهیم بحث‌شده در کتاب را عمداً سازند. درک ما از شرایط آستانه‌ای و گذار به نظم دسترسی باز افزایش یابد و به توسع همزمان اد سادی و سیاسی دست یابیم:

«ما به‌جای آزمودن فرضیه حاصل از مثال‌های تاریخی برای تشریح چهارچوب مفهومی بحث بهره گرفته‌ایم. شواهد نظری کمتر نیازمند انجام مطالعات بیشتر در آینده است. به دلیل آنکه سنجه‌های سراسر و سادگی از ماهیت و ایده‌های کلی ما وجود ندارد، لذا هیچ‌گونه تلاشی برای استفاده از تحلیل‌های تاریخی نمی‌کنیم. ما معتقدیم مفاهیم ما توان عملیاتی شدن را دارند، اما مفاهیم کلی دسترسی محدود و سبب باز چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه سیاست، مفاهیمی نامحسوس و چندبعدی است. بیان کردن این مفاهیم نیازمند تلاشی جدی فراتر از محدوده این مطالعه است. ما این تلاش را ارج می‌نهیم و دیگران را به انجام آن تشویق می‌کنیم.»

انتشار کتاب «در سایه خشونت»^۱ در سال ۲۰۱۲ که کاربرد نظم دسترسی محدود و جایگیری حکومت‌های طبیعی در سه حالت شکستنده، پایه و بالغ را در ۹ کشور بررسی می‌کند پاسخی به این فراخوان بود. همچنین گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۷ بانک جهانی با عنوان «حکمرانی و قانون»^۲، یعنی دقیقاً ده سال پس از انتشار مقاله اساسی سه

۱. این کتاب را هم نشر روزنه با ترجمه محسن میردامادی و محمد نعیمی‌پور منتشر کرده است.

2. World Bank (Forthcoming, late 2016), "Governance and the Law," World Development Report 2017.

نویسنده این کتاب، نشانه‌ای روشن از زنده بودن اندیشه نورث و تداوم راه و رویکرد وی و همکارانش است.

یاداش مورد انتظار نگارنده از ترجمه کتاب حاضر اینست که پژوهشگران، اساتید و دانشجویان سطوح کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق، جامعه‌شناسی و تاریخ را به سمت بررسی تاریخ سیاسی - اقتصادی ایران از گذشته تا دوران حال از دیدگاه نورث و همکارانش و آزمون چهارچوب پیشنهادی آنها برای ایران ترغیب کنند. بی‌تردید یافته‌ها و نتایجی که به دست می‌آید درس‌های باارزشی برای ما و آیندگان خواهد داشت. نگارنده بر این باور است که حرکت و پژوهش در چنین مسیری به ما در فهم چگونگی پیشرفت، از وضع توسعه‌نیافتگی کمک شایانی خواهد کرد و امیدوار است ترجمه این کتاب تسلی را به ما و رفت را تسهیل کند.^۱

برای بهبود و تکمیل مقدمه از نرات عزیزان بزرگواری استفاده کردم که یاد کردن از آنها کمترین میزان قدرشناسی خواهد بود. احمد مدبری، زهرا کریمی موغاری، مهدی فیضی، ابوالفضل یاسبانی، علی عرب مازار یزدی، علی حسینی (والا)، علی سرزعیم، محسن رنایی، محمد فاضلی، هادی صالحی اصفهانی، سیدمحمد بحرینیان، انوش نوری اسفندیاری، میثم پیله فروش، امیرحسین خالقی و حسین بازمحمدی. البته بدین است که مسئولیت هرگونه خطایی در مقدمه تنها برعهده مترجم است.

در پایان از کسانی که در مسیر ترجمه کتاب شریک و یاری رسان به هاندسپازگری می‌کنم. رضا مجیدزاده که در سال ۱۳۸۸ و زمان انتشار کتاب اصلی، همان زمان من مشتاق ترجمه کتاب بود در ترجمه فصول ۱، ۲، ۳ و ۵ نقش اصلی را برعهده گرفت. پس از آن از همراهی برای تکمیل و بهبود ترجمه بازماند. امین زمردی کیسمی تمام ترجمه را ویراستاری

۱. خوشبختانه پژوهش درباره اقتصاد ایران با رویکرد «نظم اجتماعی» شروع شده است که از بین آنها به دو نمونه اشاره می‌شود: Salehi Esfahani, Hadi and, Esra C, Gurakar (2014) "Social Orders, Rents and Economic Development: Iran since the Early 20th Century." in Ishac Diwan (ed.), Understanding the Political Economy of the Arab Uprisings, World Scientific Press

- مومنی فرشاد و رضا زمانی (۱۳۹۲) «تحلیل الگوی توسعه ایران بین دو انقلاب مبتنی بر اقتصاد سیاسی و نظم اجتماعی»، راهبرد، شماره ۶۹، زمستان، صص. ۷ - ۳۹.

ادبی و علمی کرد و کمک‌های وی باعث شد اطمینان بیشتری نسبت به دقت ترجمه اصطلاحات تاریخی به دست آید. او همچنین در کنار مترجمین در تهیه توضیحات اضافی که در پانویس‌ها آمده است مشارکت داشت. پویا علاءالدینی، حسین رجب‌پور و میلاد زمان نیز با علاقه‌مندی تمام بخش‌هایی از ترجمه را خواندند و نکاتی را به مترجم گوشزد کردند. از کارکنان و مدیریت محترم نشر روزنه هم بسیار سپاسگزارم که مراحل گوناگون آه‌سازی برای انتشار کتاب را با مهارت و دقت انجام دادند. سرکار خانم‌ها شهین خاصی و پرستاره ادبی و اکرم مداح صفحه‌آرایی کار را برعهده داشتند. آقایان محمود یزدی امور اجرایی و هادی عادل‌خانی طراحی جلد را انجام دادند. آقای علیرضا بهشتی و مسئول دفتر ایشان هم با مهربانی و ادب فراوان از هیچ‌گونه همکاری دریغ نورزیدند. سرانجام از همسر دخت‌شکر ویژه می‌کنم که با وجود دیدن مکرر طرح جلد انگلیسی کتاب که تابلوی نقاشی «سرم‌ما» ۱۸۰۸ است و اوج خشونت و وحشت را جلوی چشم بیننده می‌آورد در همه سال‌هایی که ترجمه به درازا کشید و فضای بیرون از خانه هر از گاهی ملتهب و پرتنش می‌شد، در این خانه محیطی آرام و مهرآمیز برایم فراهم کردند. با وجود تلاش برای عرضه ترجمه‌ای روان و بدون ایراد و اشکال، داوری نهایی برعهده خوانندگان است. قطعاً هنوز هم مواردی یافت می‌شود که قابل اصلاح و بهتر شدن بوده است. مترجم پذیرای دریافت هرگونه پیشنهاد، نقد و ایراد است.^۱

جعفر خیرخواهان

مهرماه ۱۳۹۵